

سه اسلام

مکتب نجف، مکتب قم، مکتب تهران

محمد قوچانی

محمد قوچانی، ۱۳۵۵	
سه اسلام: گفتارهایی درباره تشیع و نجدد سیاسی / محمد قوچانی. -- تهران: سرایی، ۱۳۸۵.	
۲۰۴ ص.	
قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال	ISBN: ۹۶۴-۷۳۶۲-۵۶-۰
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.	
کتابنامه.	
نمایه.	
۱. اسلام -- نجدد حیات فکری. ۲. اصلاح طلبی - ایران. ۳. شیعه و سیاست. ۴. روشنفکران -- ایران. الف. عنوان.	
۹ س ۹ ق / ۲۲۹ BP	۲۹۷ / ۴۸.
کتابخانه ملی ایران	۱۵۵۴۵-۸۴ م

نشر سرایی

سه اسلام

(مکتب نجف، مکتب قم، مکتب تهران).

محمد قوچانی

لیتوگرافی و چاپ: هاشمپون

چاپ اول: ۱۳۸۵

تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

نشر سرایی: ۲۲۰۵۵۴۰۱

شابک: ۹۶۴ - ۷۳۶۲ - ۵۶ - ۰۰

فهرست

۹	 دیباچه
---	--------------

فصل اول: مفاهیم پایه

۱۳	 ۱- اسلام فرهنگی
۱۷	 ۲- اسلام فردی
۲۵	 ۳- فقر لیبرالیسم و اسلام آزادیخواهانه
۳۱	 ۴- اصلاح طلبی دینی

فصل دوم: سنت شیعه

۳۹	 ۱- از جنبش شیعه تا دولت شیعه
۵۳	 ۲- راه دشوار دولت‌سازی

فصل سوم: نهاد مرجعیت

۶۱	 ۱- احیای سنت نجف
۶۷	 ۲- سنت رهایی‌بخش تجدد
۷۱	 ۳- سه اسلام
۷۸	 ۴- چهار امام
۹۴	 ۵- شاه و فقیه

فصل چهارم: نهاد روحانیت

۱۱۵	 ۱- مرتضی مطهری؛ اصلاح طلب یا محافظه کار
-----	---

- ۲- گذار از فقیهان کارگزار ۱۲۴
- ۳- دانش و قدرت ۱۳۳
- ۴- عدالتخانه به جای دارالشورا ۱۳۹

فصل پنجم: روشنفکران دینی

- ۱- قبض و بسط پراتیک سروش ۱۴۵
- ۲- شش نسل فرزندان شریعتی ۱۷۲
- ۳- روشنفکری دینی در عمل ۱۸۴
- نمایه ۱۸۹

به نام خداوند جان و خرد

دیباچه

افول جنبش اصلاح طلبی دینی در دهه ۸۰ محدود به حوزه سیاست نبود. از آنجا که این جنبش براساس مبانی معرفتی و دینی شکل گرفته و پیروز شده بود، با شکست آن مبانی معرفتی و دینی جنبش نیز مورد تردید قرار گرفت. مهم ترین این مبانی، مفهوم «روشنفکری دینی» بود؛ مفهومی که در فاصله سالیان ۷۶-۱۳۶۸ فربه و فرهمند شد و دل ها را ربود. دکترین سیاسی این جریان فکری «حکومت دموکراتیک دینی» بود و حاملان آن انقلابیان جوانی که به اصلاح طلبانی میان سال تبدیل شده بودند و در گذر زمان دموکراسی خواهی را جانشین انقلابیگری کرده بودند. سید محمد خاتمی به عنوان نماینده این جریان سیاسی فکری، هشت سال در رأس دولت قرار گرفت و بخشی از صورت بندی سیاسی - ایدئولوژی روشنفکری دینی را نشان داد. جنبشی که خیلی زودتر از آن چه گمان می کرد به پیروزی رسید. در حالی که برای بسیاری از مسائل راه حل نداشت؛ یا درباره راه حل آنها اندیشه نکرده بود. به همین دلیل، به موازات افول اصلاح طلبی سیاسی، اصلاح طلبی دینی هم افول کرد و روشنفکری دینی از سوی روشنفکری عرفی مورد نقد قرار گرفت. روشنفکری عرفی مدعی بود که پروژه اصلاح طلبی دینی به پایان رسیده و سرمشق جهانی مبتنی بر سکولاریسم و لیبرالیسم می تواند راه را ادامه دهد. در این میان، تغییر گرایش برخی روشنفکران دینی سابق یا سکوت برخی دیگر در برابر موج سکولاریسم، روشنفکران عرفی را بدین سو هدایت کرد که خواهان توبه روشنفکران دینی شوند. اما درست در همین زمان اتفاق دیگری در همسایگی ایران رخ داد. صورت بندی تازه ای از ترکیب دین و دولت در افغانستان تحت سلطه آمریکا و تشیع و تجدد در عراق تحت فرمان

آمریکا شکل گرفت که از یک سو در مرزهای شرقی ایران یک «جمهوری اسلامی» دیگر ایجاد کرد و از دیگر سو در مرزهای غربی ما یک «دولت شیعه» به وجود آمد. نقش ویژه آیت الله سیستانی در تحولات عراق نیز نوعی دیگر از رابطه دین و دولت و مرجعیت و حکومت را در اوج تمایل به سکولاریسم در ایران نشان داد که در عین حال، واجد استقرار نظام دموکراسی در خاورمیانه جدید بود.

مقالات این کتاب در چنین فضایی نوشته شده است و بازبینی پاره‌ای مفاهیم تاریخی و نظری درباره نسبت دین و دولت، و به طور خاص تشیع و تجدد است. فرض ما بر این نکته استوار است که بر مبنای اسلام شیعی می‌توان رابطه‌ای میان دین و سیاست یافت که هم سنت‌گرایانه باشد و هم آزادیخواهانه. با تبارشناسی اندیشه شیعه می‌توان گفت، امکان تکوین گونه‌ای و نوعی مدرنیته بومی در تاریخ این مذهب وجود دارد. چنین قرائتی از اسلام، در حقیقت، معطوف به پذیرش چهار مفهوم پایه است: اول، پذیرش اسلام به عنوان یک فرهنگ نه ایدئولوژی؛ دوم، پذیرش اسلام به عنوان یک انتخاب فردی نه هنجار حکومتی؛ سوم، پذیرش اسلام به عنوان یک دین آزادیخواهانه نه اقتدارگرایانه و چهارم، پذیرش اصلاح‌طلبی به عنوان احیای سنت اجتهاد مستمر در مذهب شیعه. این مفاهیم در فصل اول کتاب بررسی شده است. در فصول بعدی، نمونه‌های تاریخی تشیع و عینیت این مذهب در عملکرد نهاد مرجعیت و روحانیت (به عنوان یک نهاد مدنی بومی) بررسی شده و در انتها به پاره‌ای تلاش‌های روشنفکران دینی اشاره شده است.

جان کلام آنکه به نظر می‌رسد اگرچه سیاست ما از دیانت ما جدا نیست، دیانت هم عین سیاست نیست. اگر مطالعه این کتاب نشان دهد که رابطه دین و سیاست، دست‌کم در تشیع، پیچیده‌تر از نظریه‌های مرسوم است، نویسنده خود را موفق خواهد دانست.

محمد قوچانی

چهاردهم تیر ۱۳۸۴